



Der Henker von Kabul?
 Ein unscheinbarer Münchner Zeitungsverkäufer soll für die Ermordung von 30 000 Afghanen verantwortlich sein – Ermittlungen gegen fünf weitere Komplizen

جلادی از کابل

غیر قابل تصور است که یک فروشنده روزنامه از مونیخ مسؤل قتل ۳۰۰۰۰ افغان باشد و علیه پنج تن از بهرستان آن

تحقیقات نیز جریان دارد

گزارش از هفته نامه Focus آلمانی، گزارشگر: Josef Hufelschulte – شماره

۵۰۱۱ تاریخ ۱۲ دسامبر سال ۲۰۱۱ م – برگردانده بفارسی حامد یوسف نظری

در ایستگاه قطار مرکزی مونیخ شب ها محل رفت و آمد افرادی است که ناشناس اند، مردی از افغانستان در کناره انبوهی از روزنامه های تازه نشر شده ایستاده و نگاهش همیشه به سمت زمین است، «عادل ن.» (نام مستعار) که تازه ترین روزنامه ها را برای رهگذران تعارف می کرد و از

دریافت بخشش به پاس سپاس سرارش را به جلو خم می کند. طوریکه از ظاهراش مشاهده می شود، نمی خواهد به هیچ قیمتی جلب توجه قرار گیرد! اما شواهد و مدارکی وجود دارد و حاکی از آن است که او در گذشته مانند امروز اینگونه خجالتی و شرمنده رو نبوده است، زیرا نظر به گزارش و تحقیقات سارنوالی شهر مونیخ این مرد تقریباً ۶۰ ساله می تواند یک آدم کش بی رحم حرفه یی باشد.

عادل ن. که در رژیم کمونیستی محمد نجیب الله در کابل در مقامی مهم در دستگاه استخباراتی امنیت دولتی ایفا وظیفه کرده، نظر به گفته شاهدان «شیطانی در قیافه انسان» است.

نظر به نخستین گزارشات اداره جنائی ایالت بایرن آلمان، براساس اسنادیکه در این رابطه جمع آوری شده، وی متهم به جنایت علیه بشر است.

عادل ن. مسؤول قتل تقریباً سی هزار انسان می باشد. مقتولان شامل مردان، زنان و حتی کودکان را هم بوده اند، در آن زمان مخالفان حاکمیت را تیر باران می کردند و یا تا دم مرگ شکنجه می نمودند و حتی بعضی ها را زنده به گور می کردند.

گزارش دهنده گان آنانی اند که بعد از اخراج قشون اشغالگر و جنگ ها و حملات مجاهدین که کابل را به جهنم تبدیل کرده بودند، جان به سلامت برده اند.

آقای عادل ن. توسط سازمان استخباراتی (KGB) تربیه شده بود. بعد از پیروزی مجاهدین و آغاز حکومت اسلامی وی از افغانستان به سوی اروپا مهاجرت کرد و در آلمان مقیم و از چندی بدینسو تابعیت آلمان را پذیرفته است، طوریکه معلوم می شود موضوع پیچیده است.



سارنوال های ایالت (Hessen-NRW) در عین زمان علیه پنج تن صاحب منصبان عالی مقام گذشته که متهم به جنایت علیه بشر هستند خبر می دهد، بعضی از این شکنجه گران زندان ها به هالند و بلژیک فرار کرده اند.

نخستین شواهد علیه متهمین به جنایت علیه بشریت قبل از لشکرکشی شوروی ها در دسامبر ۱۹۷۹ م و بعد از اشغال آنها تقریباً سی سال قبل شروع شد، مرکز اداره جنایی فدرال آلمان (BKA) اطلاعاتی در مورد شکنجه زندانیان و کشتار آنها که توسط (عادل ن.) صورت می گرفت مطلع بودند.

همینطور نظر به تحقیقات، مرکز تحقیقاتی مبارزه علیه جنایات جنگی و کشتار جمعی و سازمان های مثل همزیستی بین المللی و دیگر منابع قابل اعتماد همه یک سان گزارش داده و از ارتکاب چنین اعمال ضد بشری در سازمان های اسخباراتی افغانستان هوشدار داده اند

ادعا هاییکه اداره مرکزی مبارزه با جنایات جنگی و کشتار جمعی با اتکا بر آن عادل ن. و دیگر همکارانش را متهم به جنایت علیه بشریت و کشتار جمعی می کنند از جانب ۲۵۰ تن از شاهدان به اداره یاد شده ثبت نام کرده اند و مدارک اثباتیه آنها در اختیار دارند.

پس از ارزیابی بیشتر سرویس های اطلاعاتی از منابع غربی، در پرونده حاکمیت قبلی ترور و وحشت شکی نیست که افرادی مثل این فروشنده روزنامه را پرورش نداده باشد.

جنرال عادل ن. در زمان حاکمیت نجیب الله، رئیس بخش استنطاق اداره استخبارات بود و هم مسؤول درجه اول از مخالفان سیاسی دولت که به بهانه جرم سیاسی زاندنی می شدند تحقیقات را به عهده داشت، در عین زمان زندان ها و مراکز استنطاق و شکنجه گاه ها تحت کنترل و امر وی قرار داشتند.

نام زندان پلچرخی وحشت آور است. در این زندان که قبلاً به کمک مالی آلمان برای ۵۰۰۰ زندانی ساخته شده بود، در آن زمان مخالفان سیاسی دولت که تعدادشان به ۱۲۰۰۰ زندانی میرسید

بدون حکم محکمه، و به دستور عادل ن. زندانی بودند. در بین مخالفان سیاسی زندانی داکتران، مهندسان، ملاها، رهبران دینی و معلمان وجود داشته و در یک حالت صحی و معیشتی خیلی رقتبار، غیر قابل تحمل و رنج آور به سر میبردند چنانکه که خودکشی زندانیان جزء برنامه روز شده بود.

هر جنایت و شکنجه که در زندان پلچرخ صورت می گرفت، تحت کنترل، نظر و هدایت (KGB) اجرا می شد، گزارشی که در سال های قبل از سوی یک پوپو لیست فرانسوی (Roger Faligot) ارائه شده بود و اداره استخبارات آلمان در سال ۱۹۸۷ م آنرا تصدیق نموده بود، حاکی از آن بود که اداره (کا جی بی) شوروی و استخبارات افغانستان در اعمال شکنجه و خشونت شدید علیه زندانیان همکار بودند، از ترور و انسان کشی هم هیچ هراسی نداشتند.

عادل ن. به اتهامات خیلی شدیدی طرف است و یکی از اتهامات اصلی علیه وی صورت گرفته، در فبروی سال ۱۹۸۸ م زمانیکه صاحبان کرملین «میخایل گورباچف» موضوع خروج نیروی نظامی خود را از افغانستان بطور نهایی اعلام کرد، زندانیان از دریافت آن خبر به شادمانی پرداختند، عادل ن. دستور کشتار دسته جمعی زندانیان را صادر کرده بود. کشتارها در گروپ ۶۰ نفری در یک صف زندانیان را قرار داده و توسط ماشیندار بدون ترحمی همراه قتل عام میکردند. اجساد را بعد از کشتار در گورها عمقی توسط بولدوزرها دفن می کردند. چند سال بعد از آن زمان یکی از این گورهای دسته جمعی کشف شد که در آن استخوان های بیشتر از ۲۰۰۰ انسان را پنهان کرده بودند.

با سقوط حاکمیت پر از خشونت نجیب الله همچنین برای عادل ن. پایان زمان کشتار جمعی بود. زمانیکه مسلمانان شورشی رئیس جمهور منفور را در سپتامبر سال ۱۹۹۶ م در دفتر نماینده گی سازمان ملل متحد در کابل که پناهنده بود، کشتند و بعداً از بلکن وی را بدار آویختند، عادل ن. قبلاً کشور را ترک کرده بود.

عدال ن. با اسناد جعلی و تغییر نام موفق به فرار به آلمان شد، و با استفاده از هویت جدید و جعلی خویش خیلی زود توانست در بین افغانهای خارج از کشور جای پای پیدا کند.

گزارشگر هفته نامه فوکوس می نویسد: برخورد از نزدیک با مجرم مشکوک در پنجشنبه هفته گذشته بود، روزنامه فروش آقای عادل ن. وقتی که به نام اصلی اش مورد خطاب قرار گرفت، با چشمان از حدقه برآمده و خشمکین نگاه کرده گفت: شما از من چه می خواهید؟ نگاه کنید من خیلی مصروف هستم!

در باره کابل نمی خواست صحبت کند، چیزی برای گفتن نیست، همه چیز گذشته است من فعلاً در آلمان هستم و آلمان قشنگ است...

وقتی که واژه استخبارات ذکر شد. عادل ن. لبخند رنج آوری کرده گفت: من با آنها رابطه ای نداشتم وظیفه من در وزارت فرهنگ بود! متهم به قتل جمعی و جنایت علیه بشریت که همان آقای عادل ن. باشد، دو تن افغان را صدا زده و آهسته گفت: شما مرا با کسی اشتباهی گرفته اید، آقایان!.. من با شما دیگر صحبت نمی کنم!..

لوی سارنوال شهر مونیخ (Thomas Steinkraus -Kuch) تأیید کرد که با توجه به اسنادی که ما در اختیار داریم، این موضوع حقیقت هست و تحقیقات علیه این شخص جریان دارد، ما باز هم نیاز به تحقیقات بیشتری فرایالتی داریم و باید در خارج از آلمان هم تحقیقاتی انجام بدهیم و در عین زمان اداره جنایی ایالت بایرن نیز موظف شده تا در این مورد تحقیق نماید.

یک سخن خیلی دوستانه به اعضای حزب دموکراتیک خلق:

ما همه شاهد رویدادها و تحولات سیاسی سه دههٔ اخیر در افغانستان هستیم و میدانیم که چه بلایی بر سر مردم و جامعه آمده است و میدانیم که این اولین و آخرین گزارش از زمان حاکمیت حزب دموکراتیک نیست و نخواهد بود بلکه در آینده بیشتر هم خواهد شد. لذا از شما صمیمانه می‌خواهم که به دو نکتهٔ زیرین توجه نمایید:

۱- اینکه در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق از طرف افرادی جنایت علیه بشریت، قتل عام‌ها، این گورها دسته جمعی که هر روز کشف میشود بالاخره خودکشی دسته جمعی نبوده که بسر خود خاک ریخته باشند و انواع جنایت و بی عدالتی صورت گرفته است، یک واقعیت آشکار و غیرقابل انکار بوده و به هیچ صورتی نمیتوانم آنرا کتمان و یا توجیه کنیم، با درک این واقعیت باید این سؤال را هم طرح کرد که آیا همه اعضای این حزب جنایتکار و آدمکش بوده اند؟ و آیا همهٔ آنان در اتخاذ همچو تصمیمی نقش مستقیم داشته اند؟ اگر نقشی نداشته اند و افرادی صادق و دارای آرمان انسانی بوده اند و از نیرو و حضور شان در صفوف حزب سوء استفاده صورت گرفته است. پس چه باید کرد؟

۲- درست است که بعضی از اعضای حزب دموکراتیک نظرات انتقادی به گذشته داشته و دارند اما ایشان چیزی بیشتر از کل گویی‌هایی نداشته اند. آنان یاد آور میشوند که گویا جنایت و خیانتی انجام یافته است اما همه حرف‌هایی را که باید زده شود بر زبان نمی‌آورند و به صراحت نمی‌گویند که کیها بوده اند که اینهم خیانت و جنایت را مرتکب شده اند؟! کی مسؤول اینهمه جنایت علیه بشریت است؟ و کی این دستورات را داده است؟

اینجا وظیفهٔ اعضای وفادار به جامعه و مردم و دارای آرمان‌های انسانی و اعضای صادق و انقلابی حزب دموکراتیک است تا آنان را افشا و صف خود را از این جنایاتکاران جدا کنند، زیرا مسلماً

هیچ کس دیگری بهتر و بیشتر از شما با این جنایتکاران آشنایی و شناختی ندارد. پس نباید بیشتر از این به کتمان کاریها و مصلحت اندیشی ها و توجیه نمودن های بیهوده ادامه داده و خود را در چارچوب تفکر جمعی حاکمیتی تعریف نمایید که در آن انواع جنایات علیه بشریت صورت گرفته و به همه اعضای آن حزب مربوط پنداشته میشود. اینجاست که باید مکرراً پرسیم: آیا همه اعضای حزب دموکراتیک خاین و جنایتکار بودند؟ اگر آری که حرف تمام است و اگر چنین نبوده است؟ پس قیام کن بنام یک انسان صدیق دامن پاک خودت و رفقای بخون خفته ات را که آرمان انسانی داشتند از لوهه این جنایتکاران پاک و منزّه کرده آنها را افشا و از پهلوی خود برانید و دور کنید تا زمانی که دست به همچو اقدامی نیازیده و همچو شهادتی را از خود تبارز ندادید هرگز نخواهی توانست نزاهت و پاکدامنی خود و دیگر رفقاییت را که صادقانه رزمیده و میرزمنند به اثبات رسانی، زیرا تا چهره های کثیف همچو جنایتکاران افشا نشوند این جنایات دامن هر یک از اعضای حزب دموکراتیک را لکه دار خواهد ساخت.

فلهذا دوستان گرامی قبل از اینکه دیگران اقدام بدین عمل بکنند، شما خود انقلابی در کودتا کنید و همه آنچه را که گذشته است از نو بیان کنید، اگر امروز نگوید شاید فرد برای بیان اش دیر باشد، با یک گفتار صادقانه میتوانید در تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی این مرز و بوم جایگاه واقعی خود را دریابید و مسجل شوید...